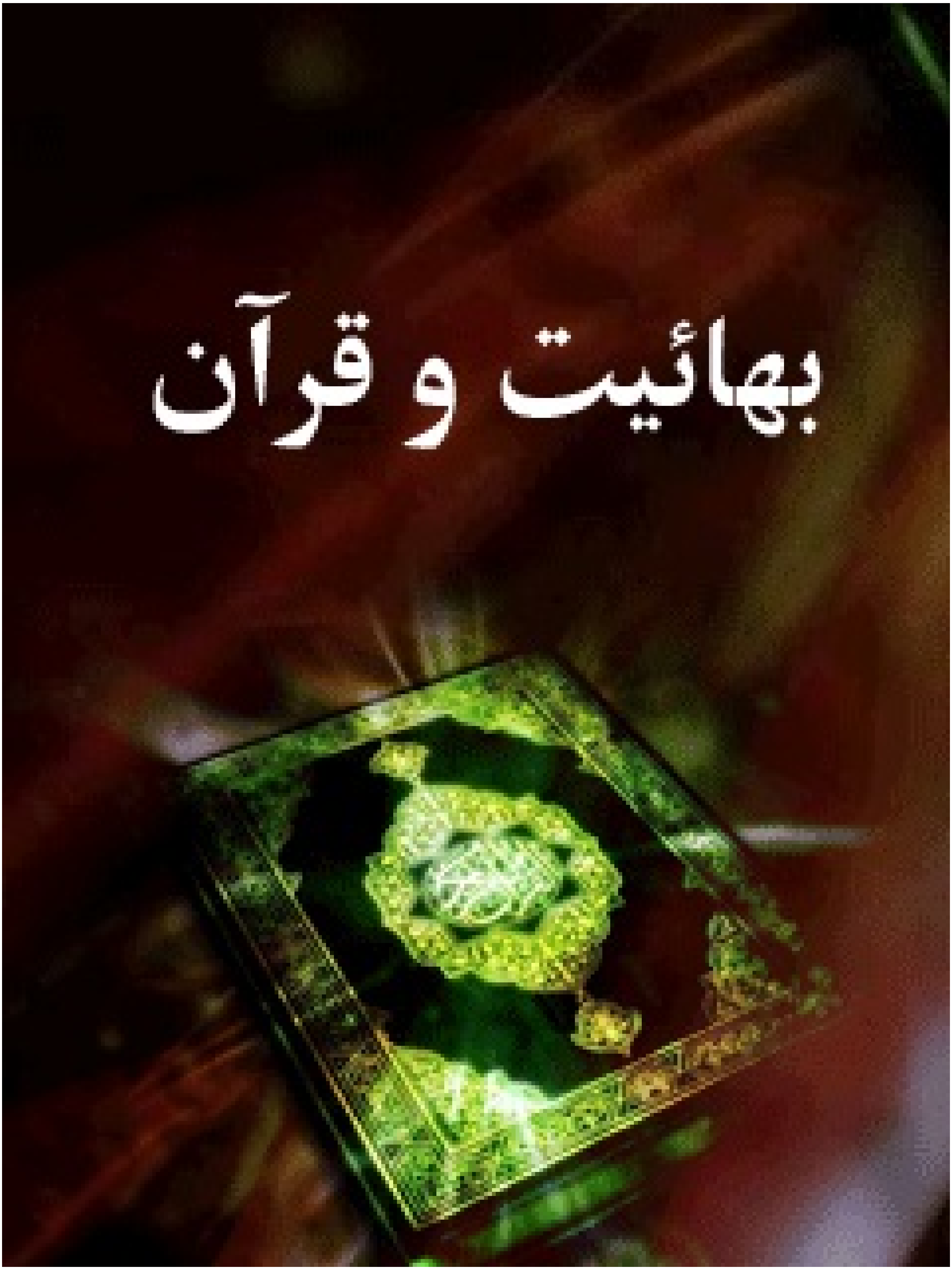
بهائیت و قرآن



بسم الله الرحمن الرحیم

بهائیت و قرآن

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

سایت بهائی پژوهی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بهائیت و قرآن

مشخصات کتاب

برگرفته از: سایت بهائی پژوهی

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم وقتی در قرآن به آیه مبارکه (و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین) رسیدم به این معنی که تر و خشکی نیست که در قرآن نباشد مطمئن شدم که حتما راجع به گروهی که تحت عنوان بهاییت مسلمانان را فریب داده و برای خود قصر و تشکیلاتی راه انداخته اند نیز نشانه و آیاتی در قرآن وجود دارد. بالاخره به آیات زیر رسیدم:

سوره مدثر، آیات ۲۹الی ۳۱

لواحه للبشر. علیها تسعهٔ عشر. ترجمه: (لوح دهنده است به مردم. بر اوست عدد نوزده.) این آیات بلافاصله بعد از آیات مربوط به کافر معاند ولید وحید آمده و عاقبت وحید را دوزخ و سقر بیان کرده اند. جالب است که ازل نیز وحید نام داشته و حسینعلی بها بواسطه اینکه نامه هایی که به مردم می داد الواح نامید لواحه یعنی لوح دهنده بوده است و از همه مهمتر اینکه عدد نوزده عدد رسمی بهاییت است. تعداد ماههای سال؛ تعداد روزهای ماه؛ مقدار مهریه زنان؛ مقدار جزای نقدی؛ همگی نوزده است و نوزده مطابق لفظ بهایی است. این آیات و آیات قبل و بعدش در توصیف دوزخ آمده اند. عجب دلالتی بر آتش و اهل آتش! شاید با بیان یافتن آیه مذکوره دوباره به این حقیقت پی ببریم که این قرآن معجزه ای جاوید است که هر لحظه و هر روز با بیان نکاتی گرانبها از جدیدترین یافته های پزشکی و علمی گرفته تا پیشگویی حوادث آیندگان جلوه ای از وحی الهی از آن خارج و منتشر می گردد. درباره ی بهاییت هم یک نکته را متذکر می شوم. قرآن بیش از شش هزار آیه دارد. بهاییها مانند کسی که چیزی برای از دست دادن نداشته باشد هر روز آیه ای از قرآن را دستخوش هجوم قرار داده و در جمع های خصوصی خودشان به استهزا گرفته اند که شنیده ای فلان آیه هم در قرآن در تأیید امر بهایی است؟ بی خبر از اینکه قدمای آنها در دوزخ هنوز به یکی از اتهامات خود نیز پاسخ نداده اند و آتش شعله ور جهنم هر لحظه انتظار اقدام آنان را می کشد و خدا و فرشتگان و همه مردم هم بر آنها لعنت می فرستند. بسیاری از آیات مورد استناد آنها با یکبار خواندن از روی قرآن و در جریان قرار گرفتن شأن نزول و ترجمه آن کاملا مشخص می شوند. بعضی از موارد را در اینجا آورده ام و اگر استنادات جدیدی از آنها بدست آمد و برای این حقیر ارسال شد حتما در مقوله ای جداگانه به توضیح شبهات خواهم پرداخت؛ هر چند که شیطنت این قوم ضاله تمامی ندارد:

سوره هود، آیه ۷

و هو الذی خلق السماوات و الارض فی سته ایام و کان عرشه علی الماء لیبلوکم ایکم احسن عملا. و لئن قلت انکم لمبعوثون من بعد الموت لیقولن الذین کفروا: ان هذا الا سحر مبین ترجمه آیه: و او خدایی است که آسمانها و زمین را در مدت ۶ روز آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را آزمایش کند که عمل کدامیک از شما بهتر است. و اگر بگویی: حتما بعد از مرگ زنده خواهید شد همانا کافران خواهند گفت: این سخن جز سحری آشکار نیست. تفسیر بهاییت: حسینعلی بها پس از استقرار در عکا از طرف مریدان باغی عایدش شد که خود آن را باغ فردوس نامیده بود و در آنجا نهری روان بود. فرمان داد تختی چوبین بر روی نهر زدند و

مریـدان آنرا مفروش گرداندند. وی هر هفته یکی دو روز در آن باغ رفته ناهار بر سـر تخت می خورد و حوله بر سـر کشـیده خواب قیلوله می نمود. روزی دو برادر و چهار پسـر خود را صـدا زده آنان را فرمان داد تا اهل بها را خبر دهنـد که راز این آیه که گفته (و کان عرشه علی الماء) امروز بر ملا شد که مقصود این خدا و این نهر آب و این تخت است.

سوره اعراف، آیه ۱۶۰

و قطعناهم اثنتی عشـره اسـباطا امما و اوحینا الی موسـی اذ استسـقاه قومه ان اضـرب بعصاك الحجر فانبجست منه اثنتی عشـره عینا قد علم کل اناس مشـربهم و ظللنا علیهم الغمام و انزلنا علیهم المن و السـلوی.کلوا من طیبات ما رزقناکم و ما ظلمونا و لکن کانو انفسهم یظلمون. ترجمه: قوم موسـی را به دوازده گروه منشعب کردیم که هر گروه طایفه ای باشند و چون امت موسی از او آب خواستند به موسـی وحی کردیم عصای خود را به زمین بزن. آنگاه دوازده چشـمه ی آب از آن سـنگ جاری شـد و هر قبیله ای چشـمه ی آب خود را شـناخت. و ما بوسـیله ی ابر بر سـر آنها سایه انداختیم و نیز برای آنها ترنجبین و مرغ فرستادیم. گفتیم از روزیهای پاکیزه ای که به شـما داده ایم تناول کنیـد. و آنها بر ما سـتم نکردنـد بلکه بر خودشان سـتم کردند. تفسـیر بهاییت: (در یکی از احادیث جعلی شیعی به این مضـمون نوشـته شـده که مراد از موسـی در این آیه حضـرت محمد و مراد از عصا حضـرت علی است و مراد از دوازده چشـمه هم دوازده امامنـد. این حـدیث هم به دلیل اینکه آیه از محکمات است و موردش مشـخص و نامها هم آمده است قابل قبول نیست و معارض با قرآن است و معلوم است کسانی که بعداً خواسـته اند بگویند معجزه حضـرت موسی اژدها کردن عصا نبوده بلکه اینها تمثیل است و منظور عصای امر است! و بـدین ترتیب خود را از زیر بار معجزه آوردن معاف کنند این احادیث را هم پیدا کرده و اسـتناد می کننـد. در هر صورت این حـدیث اگر معـارض با نص صـریح قرآن هم نبود بـدلیل ضـعف سـند روایت از درجه اعتبار ساقـط بود؛ و جـالب اینکه اسـتفاده ای که در این مورد از این حـدیث شـده به فرض اینکه این حـدیث واقعیت هم داشت کاملاـ بی منطق است.) جناب تئوریسن بهاییت در تفسـیر این آیه و با اسـتناد به این حدیث گفته بود: چون حضـرت امیر عصا و دوازده چشـمه دوازده امـام هسـتند پس نتیجه عـدد سـیزده به دست می آیـد پس بـاب امـام سـیزدهم است. جـالب آنکه باب خودش خود را همان مهدی و امام دوازدهم می دانست! از طرف دیگر در این سوره در پایان داسـتان موسی علیه السلام تأکید کرده که این داستان همان داستانی است که درباره زندگانی پیغمبران و اقوام مختلف در جاهای مختلف قرآن ذکر شده است.

سوره اسراء، آیه ۷۸

اقم الصلوهٔ لـدلوك الشـمس الی غسق اللیـل. ترجمه: نمـاز را بر پا دار از زوال آفتاب تا تاریکی کامل شب (اشاره به وقت نمازهای پنجگانه) تفسیر بهاییت: (کتاب بحر العرفان) غسق اللیل یعنی سال ۱۲۶۰ و معنی آیه این است که تا سال ۱۲۶۰ نماز بخوان و بعد از آن خود را آزاد بگذار.توضیح: بی خیال بابا. این یکی را گذاشته بودم برای خنده

سوره انبیاء، آیه ۲۹

و من یقل منهم انی اله من دونه فذلك نجزیه جهنم. کذلك نجزی الظالمین. ترجمه: و هر کس از آنها بگوید: منم خدایی غیر از او پس چنین کسـی را دوزخ پـاداش می دهیم و چنین مزد می دهیم سـتمکاران را. بهـاییت: حسـینعلی بهـا در پاسـخ به این آیه محکم چنـدین بـار گفتنـد: اننی انـا الله.لاـ اله الاـ انـا. من در مناظره ای که با یکی از مبلغین کردم که البته فکر نمی کرد من ادعاهای مکرر میرزا علی محمـد و میرزا حسـینعلی را درباره ی خـداییتش دیـده باشم این ادعای باب را با ادعای امام زمانیش و ادعای بنـدگیش و ادعاهای دیگرش در کنار هم گذاشـتم و گفتم اینها نشانه عدم صداقت یك نفر است. بالاخره تکلیفش چه می شود. ایشان کیست؟

یک لحظه خودتان را جای چنین مبلغی بگذارید و فکرش را بکنید که اینجا چه عکس العملی نشان خواهید داد؟ چند حالت ممکن است: یا انسانی منطقی و به دنبال حقیقتید که خیلی راحت یک جمله می گویید: استغفر الله ربی و اتوب الیه (از درگاه خداوند یگانه معذرت می خواهم و به سوی پرستش آن یگانه معبود بی همتا باز می گردم). آن وقت مانند انسانی پاک و یگانه پرست به این حقیقت رسیده اید که این جماعت مسخ شده را خدا در عذابی دائم قرار داده و نفرین مدام خدا بر آنهاست چون نمی توانند حتی یک لحظه خدایشان را بشناسند و با وی به راز و نیاز بپردازند. حالت دوم در مورد مناظره من واقع شد و آه تأسفبار من را برای آینده ی نه چندان دور فرد مخاطبم در بر داشت. غرور ناشی از جهل و نادانی و ناسپاسی و کفران نعمت در جثه ای ضعیف ولی با باری گران و روح پاک که امانتی الهی است در جسمی آلوده به خیانتکاری و شرک از دست رفت. پاسخش هم این بود: (جناب باب چهار مقام مختلف داشتند. یکبار در مقام بندگی بودند و آن صحبت را کردند؛ بار دیگر مقام امامی بار دیگر مقام خدایی و.... واقعاً که!

سوره حج، آیه ۴۱

الذین ان مکناهم فی الارض اقاموا الصلوة و آتو الزکوة و امرو بالمعروف و نهو عن المنکر و لله عاقبة الامور. ترجمه: همانهایی که اگر به آنها در روی زمین قدرت بدهیم نماز به پا می دارند و زکات می دهند و دیگران را به کارهای خوب سفارش می کنند و از کارهای زشت باز میدارند و سرانجام کارها برای خداست. حضرت باقر علیه السلام: (نقل از تفسیر قمی) این آیه در شأن آل محمد نازل شده و در آخر الزمان روح این آیه ظهور می کند در مهدی این امت علیه الصلوة و السلام که چون قائم آل محمد قیام نماید در مشرق و مغرب عالم تصرف و تملک نماید و همه را به دین اسلام در آورد و بدعتها را زایل سازد و اصحاب بدعت را نابود نماید. بهاییت: حرفی برای گفتن ندارد. باید با وکیلش صحبت کنید.

سوره قصص، آیه ۳۰

و ان الق عصاک فلما رآها تهتز کانها جان ولی مدبرا و لم یعقب یا موسی اقبل و لا تخف انک من الامنین. ترجمه: خداوند به موسی گفت: اینک عصای خود را بیانداز تا قدرت ما را تماشا کنی. پس چون آن را انداخت دید که می جنبد چنانکه گویا جان دارد یا صاحب روح است. پشت کرد برای فرار و دنبال عصا را نگرفت. خطاب آمد: ای موسی رو کن و مترس که تو در امانی. بهاییت: (کتاب ایقان) معجزات این سوره و سوره های دیگر که درباره ی حضرت موسی آمده منظور از عصا عصای امر خداست و دست وی که بیضا بود (و نور آن خیره کننده) منظور نور معرفت است یعنی عصا اژدها نشد و ید بیضای موسی کنایه است. توضیح: معلوم است که باید زیرآب همه ی معجزات پیغمبران قبلی را بزنید. چون قرار نیست خودتان هم معجزه کنید! اصلاً نباید اجازه می دادید این همه پیغمبران بیایند و معجزه بیاورند. باید چند هزار سالی زودتر این آئین جالب را تشریع می فرمودید.

سوره روم، آیه ۳۰

و لا تکونوا من المشرکین. من الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعا کل حزب بما لدیهم فرحون. ترجمه: و نباش از مشرکین. آنها کسانی هستند که دین خود را پراکنده ساختند و گروه گروه شدند و هر گروه به آنچه نزد خودشان است از عقاید باطله شاد هستند. رسول خدا (ص): مراد از الذین فرقوا دینهم اهل بدعت و ضلالتند از امت من که بعد از من بیایند و هر گناهی را توبه است مگر بدعت و ضلالت را که توبه برای آن نیست. بهاییت: حرفی برای گفتن ندارد. باید با وکیلش صحبت کنید.

سوره سجده، آیه ۵

یـدبر الامر من السـماء الی الارض ثم یعرج الیه فی یوم کان مقداره الف سـنهٔ مما تعدون. ترجمه: اوست که امر عالم را از آسـمان تا زمین تـدبیر می کنـد. سـپس در روزی که مقـدارش هزار سال است بسوی او باز می گردد. بهاییت: (کتاب فرائـد نوشـته ابوالفضـل گلپایگـانی): منظور از امر امر اسـلام است که از آسـمان بر زمین آمـد و بعـد از هزار سـال بسوی آسـمان می رود و نسـخ می شود. پاسخ: الف سـنهٔ در آیه فقط مثال برای تقریب ذهن است و مثلاً در آیه ای دیگر مدت یک روز را بجای الف سنهٔ خمسین الف سنهٔ آورده شـده (تعرج الملائکـهٔ و الروح الیه فی یوم کان مقداره خمسـین الف سـنهٔ مما تعدون) یعنی فرشـتگان و روح در روزی که به حساب شـما پنجاه هزار سال است به سوی او بالا می آورند. حال اگر منظور از این عددها چیزی جز تقریب ذهنی بود پس یک نفر دیگر هم بعـد از پنجاه هزار سال می تواند بیاید و بگوید روح اسـلام امروز به آسـمان رفت و نسخ شد و از حالا به بعد من پیغمبر و خدا و.... هستم! یعنی اگر ترجمه تعرج را در آن آیه نسخ بدانیم اینجا هم همان کلمه را داریم و جالب است که در هیچ جای عربی این کلمه معنای نسـخ نمی دهـد. از طرفی امر هم هیـچ وقت اسـلام نبوده است مخصوصاً در این آیه که مشـخص است تدبیر کردن برای دین نمی آیـد و برای کـل امور عالم آمـده است و در ضـمن الف و لام در الامر مبین این است که کل امور مورد نظر است نه قسـمتی از امور. ضمناً اگر هم بگوییم معنای این آیات متشابهات است پس باید تفسیر آن را از امامان بخوانیم که قرآن ناطقند و الا من هم می توانم خودم را با تفسیری که خودم از قرآن می نویسم ثابت کنم. اول باید برادری را ثابت کرد و بعد ادعای ارثیه نمود. راستی گیریم که اسـلام تمام شود و همه ی مسـلمانها هم یا بمیرنـد یا قبول کننـد اسلام تمام شـد و نسـخ شـد؛ حالا کجای این آیه دلالت بر ظهور باب و بها دارد؟!! اگر روزی هم این بلا می آمد مگر انسانهای پاک و دانشـمند و با سواد کم هسـتند که برویم اینها را پیغمبر کنیم! ابوالفضـل گلپایگـانی در مقـدمه فرائـد می نویسـد: انبیا خبر داده انـد که دنیا به سـبب دو ظهور اعظم کسوت جـدید بپوشـد و آلات حرب به ادوات کسب مبـدل شود و سـپس نتیجه می گیرد که این دو ظهور، ظهور بـاب و بها است. ایشان اولاً نمی گوید این خبر را از کجا پیدا کرده است. بعد هم ببینید آیا به سـبب این دو ظهور تا امروز که نزدیک دویست سال از آن می گذرد دنیا کسوت جدید پوشیده و آلات حرب به ادوات کسب مبدل شده و گرگ و میش از یک مشرب مشروب گردیده اند؟ ما شیعیان منتظر هستیم کسی بیاید که یملأ الأرض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا (زمین را آنگاه که از ظلم و جور پر شده باشد از قسط و عـدل پر کنـد) اما تا آن شـخص نیایـد و این کار را نکند هیچ ادعایی نمی کنیم. اما ایشان این ادعا را کرده در حالیکه پس از این دو ظهور دو جنگ جهانی یا میلیونها کشـته از یک طرف و رقابتهای تسـلیحاتی و دهها جنگ جهانی دیگر از طرف دیگری خانمان دنیـا را بر باد داده است. چطور می گوییـد این اتفاق افتاده و آلات حرب به ادوات کسب مبـدل شـده؟ این روزها آدم چه چیزهایی که نمی شنود و نمیبیند!

سوره احزاب، آیه ۴۰

ما کان محمـد ابا احـد من رجالکم و لکن رسول الله و خاتم النبیین و کان الله بکل شـیء علیما. ترجمه: محمـد پـدر احدی از مردان شما نبوده و لکن فرسـتاده خـدا و ختم پیغمبران است؛ و خداوند به همه چیز داناست. حضـرت محمد (ص): (نقل از تفسـیر راضـی) محمـد ابن حسن از رسول خـدا روایت کردند که در تفسـیر این آیه فرمود: انا محمد و انا احمد و انا حاشـر الذی یحشـر الناس علی قـدمی و انا العاقب الـذی لیس بعـدی نبی. یعنی من محمدم و من احمدم و من حاشـری هسـتم که بر اثر و در پی من حشـر واقع می گردد و منم آخرینی که بعد از من پیغمبری نخواهد بود. بهاییت: آخرین تفسـیری که همین ماهها از مبلغین شـنیدم که از سـر تا پا با تفاسـیر قبلی فرق می کرد این بود که بله. محمـد آخرین پیغمبر خـداست تا روز قیامت. خوشـحال شـدم که لااقل جفنگیات قبلی را

تکرار نکرده که می گفتند خاتم به معنی مهر است! گفتم خب پس ایمان آوردید؟ گفت نه! گفتم چرا؟ با لحنی که خودش هم نمی دانست چجوری بگوید گفت: ایشان خاتم پیغمبران است تا روز قیامت و روز قیامت همان روز ظهور باب است! گفتم: ببخشید؟ میشه بیشتر توضیح بدهید؟ گفت بله. بر طبق تفسیری که در کتاب ایقان خود بهاییت بر قرآن نوشته ثابت کرده که تمام آیات مربوط به قیامت عملی شده و روز قیامت روز ظهور بهاییت است. خیال کردم خواب می بینم یا طرف خودش هم متوجه نیست چه می گوید و احتمالاً خیلی خسته است. حرفش را برای خودش تکرار کردم که: (یعنی با این حساب یک نفر آمده و خود را پیغمبر معرفی کرده. به او گفتند طبق قرآن تو پیغمبر نیستی و قرار نیست پیغمبری بیاید. ایشان تفسیر قرآن را نوشت و با تفسیری که نوشت خود را پیغمبر خواند!) منظورتان همین است؟ گفت: بله. شما نمی فهمید. من هم سرم را پایین انداختم و راهم را گرفتم و رفتم. از در خانه بیرون نرفته با خودم گفتم:عجب صبری خدا دارد!

سوره شوری، آیه ۲۱

ام لهم شرکاء شرعو لهم من الدین ما لم یأذن به الله و لولا کلمۀ الفصل لقضی بینهم. ترجمه: بلکه برای ایشان شریکانی است که برای ایشان از دین چیزهایی قرار داده اند که خدا اذن نداده است (مقصود علمای ادیان است که در دینها بدعت می گذارند). و اگر کلمه فصل نبود بین آنها قضاوت می شد. بهاییت: (فراید ابوالفضل گلپایگانی) کسی تشریع شریعت بدون اذن الهی نتواند کرد و هر کس شریعت تازه ای آورد و از بین نرفت پس حق است پس بهاییت حق است. پاسخ:این آیه هیچ دلالتی بر این مطلب ندارد و به فرض هم که داشت هم در ادامه ی آیه و هم در آیات دیگر آمده است که اگر حکم قاطع الهی بر این نبود که در عقوبت کفار عجله نکند آنها را از بین می برد. عقلاً هم اگر قرار بود خدا همین جا جلوی این ظلمها را بگیرد فلسفه بهشت و جهنم زیر سؤال می رفت. بگذریم از آنکه در همین لحظه بیش از دویست هزار شریعت در هند و بیش از صدها شریعت نوین در اقصی نقاط جهان وجود دارد که همگی دارای تشکیلات و کتاب و دلایل خود هستند و طرفدارانی هم دارند. مثال واضحش شیطان پرستانند که بر طبق آمار سال ۲۰۰۰ میلادی به بیش از دویست میلیون نفر در سراسر جهان رسیده اند. مطمئنا خدا نباید می گذاشت همچنین آئینی که عملاً شیطان را خدای خود و خدا را دشمن خود می دانند تا این حد ماندگار و گسترده شود. البته در آیات داریم که خدا اینگونه نامردیها را ممکن است در جا از بین ببرد (آیه ۴۶ سوره ی حاقه) که در موردی که کسی به خدا دروغ ببندد همان موقع رگ حیات او یا رگ دل او را می بریم. ما می گوییم بله رگ دل آنها بریده شده و همین که تا آخر عمر نتوانستند توبه کنند دلیل ماست. و الا اگر با توهین به خدا باید رگ گردن بریده شود من هر لحظه یک میلیارد مرتبه بر بهاییت و خدایی باب و بها و هر چه می گویند و می نویسند و همه ی طرفدارانشان لعنت و نفرین می فرستم و تا آخرین لحظه عمر هم دست از لعنت بر نمی دارم و هیچ چیزی هم نمی شود. در عین آنکه دین جعلی که با این همه دروغ بستن به خدا به وجود آمده اگر چه میلیاردها دلار باد آورده روسها و انگلیسیها و نهایتاً آمریکاییها و اسرائیلیها شبانه روز و نامحدود در خدمتش بوده و هستند و خواهند بود ولی به جایی نخواهد رسید و با همه ی بوقها و تبلیغات و امتیاز دهی و جعل و فریبها هیچ وقت به تعدادی که مطرح بشوند نمی رسند کما اینکه الآن حتی به اندازه ی طرفداران یک جناح سیاسی هم نیرو ندارند. اسلام بعد از ربع قرن بر ربع جهان مسلط شد و اینها الآن نزدیک دو قرن است که در انزوا و پلیدی خود چراغها را خاموش کرده و درختها را می شمرند! یک نفر بهایی در جایی برای من نوشته بود: با چه جرأتی به بزرگترین آیین جهان توهین می کنی؟ (البته من هیچ وقت به هیچ آئینی توهین نکرده ام) و یک نفر دیگر هم که ظاهراً دکتر بوده جوابش را داده بود که منظورت همان پنج میلیون بهایی است؟ بعد گفته بود از نظر علم پزشکی همان تعدادی که در عصر بهاییت بهایی شدند اگر درست زاد و ولد می کردند الآن بیشتر از این تعداد بودند و متأسفانه بدلیل عدم رعایت بهداشت و اخلاقیات رو به زوال رفته اند! خلاصه که سؤال من از جناب گلپایگانی این نیست که چرا آیه را درست نخوانده است

که خودش هم بعدها قبول نموده که چه بر سرش آمده بود. سؤال من فقط این است: کدام ماندگاری

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج – به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹